

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی

عنوان:

آزمون نظریه هکشر-اوهلین در مورد صادرات و واردات

چین و دلالت‌های آن برای اقتصاد ایران

استاد راهنما:

آقای دکتر شاکری

استاد مشاور:

آقای دکتر بانوئی

دانشجو:

سیروس امیدوار

تابستان ۱۳۸۶

موسسه مطالعات و تحقیقات علمی
تهران

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۸

۵۰۹

بسمه تعالی



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده اقتصاد

ارزشیابی پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد

جلسه نهائی دفاعیه پایان نامه آقای سیروس امیدوار دانشجوی کارشناسی ارشد

رشته: علوم اقتصادی

تحت عنوان:

«آزمون نظریه هکشر- اوهلین در مورد صادرات و واردات چین و دلالت‌های آن برای اقتصاد ایران»

در تاریخ ۸۶/۶/۲۷ با حضور امضاء کنندگان زیر انجام و با درجه عالی و نمره ۱۸/۵ مورد تصویب قرار گرفت.

اعضاء هیأت داوران:

۱- استاد راهنما و عضو هیأت داوران: آقای دکتر شاکری

۲- استاد مشاور و عضو هیأت داوران: آقای دکتر بانویی

۳- نماینده تحصیلات تکمیلی و عضو هیأت داوران: آقای دکتر بهکیش

۴- عضو هیأت داوران: آقای دکتر ارباب

تقدیم به همسر و
فرزندانم سروش و سحر

چکیده:

سالهاست که کالاهای ارزان قیمت چینی سهم عمده ای از بازار مصرفی کشورهای مختلف و از جمله ایران را به خود اختصاص داده اند. یکی از سوالات مطرح در این زمینه این است که علل و عوامل موثر بر پایین بودن قیمت کالاهای چینی کدامند؟

یکی از فرضیات مطرح برای پاسخگویی به این پرسش، بهره برداری چین از مزیت نسبی نیروی کار در زمینه تولید و صدور کالاهای کاربر توسط این کشور است. در این تحقیق رشد سریع صادرات چین طی قریب به سه دهه اخیر، با استفاده از نظریه هکشر-اوهلین تبیین می شود. به این منظور با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۲۰۰۰ چین، محتوای عوامل تولید صادرات و واردات چین محاسبه شده و با استفاده از آزمونهای لئونتیف و لیمر نشان داده می شود که کشور چین در صدور کالاهای کاربر دارای مزیت نسبی است. سپس بهره برداری چین از مزیت نسبی نیروی کارش در چشم انداز وسیعتر گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار بررسی می شود. در پایان با درس گرفتن از تجربه چین برای عبور کم هزینه کشورمان در گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار، راهکاری پیشنهادی مورد بحث قرار می گیرد. در نهایت پایان نامه با جمعبندی و نتیجه گیری به پایان می رسد.

فهرست مطالب

فصل اول	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۱-۲- بیان مسئله	۳
۱-۳- پیشینه تحقیق	۳
۱-۴- مبانی نظری	۵
۱-۵- فرضیه و سؤال تحقیق	۵
۱-۶- اهداف تحقیق	۵
۱-۷- روش شناسی و مدل تحقیق	۶
۱-۸- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها	۶
۱-۹- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه	۶
۱-۱۰- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح	۶
۱-۱۱- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق	۷
۱-۱۲- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	۷
فصل دوم	۸
۲-۱- مقدمه	۹
۲-۲- سوداگران؛ جویندگان طلا	۹
۲-۳- نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت مبنائی برای افزایش "ثروت ملل"	۱۰
۲-۴- دیوید ریکاردو و نظریه مزیت نسبی؛ تعمیم نظریه اسمیت	۱۱
۲-۵- الگوی هکشر-اوهلین؛ پیشروی در دو سو	۱۲
۲-۶- فرضیات نظریه هکشر-اوهلین	۱۳
۲-۷- قضیه هکشر-اوهلین	۱۴
۲-۸- تشریح مفاهیم قضیه	۱۶
۲-۸-۱- وفور نسبی عوامل تولید	۱۶

- ۱۸..... ۲-۸-۲- شدت عامل (کاربری یا سرمایه بری یک محصول)
- ۱۹..... ۲-۸-۳- برگشت شدت عامل
- ۲۰..... ۲-۹- تبیین تاکایاما
- ۲۱..... ۲-۱۰- تبیین لیمر
- ۲۲..... ۲-۱۰-۱- فراوانی عامل آشکار شده در تجارت
- ۲۵..... ۲-۱۰-۲- بررسی مجدد داده های لئونتیف
- ۲۷..... ۲-۱۱- معمای لئونتیف، استمرار در قالب تغییر شکل
- ۲۸..... ۲-۱۱-۱- نظریه
- ۲۹..... ۲-۱۱-۲- مشاهدات
- ۳۰..... ۲-۱۲- معمای لئونتیف، استمرار یا حل؟
- ۳۱..... ۲-۱۲-۱- نظریه
- ۳۳..... ۲-۱۲-۲- مشاهدات
- ۳۴..... ۲-۱۲-۳- شکل دیگری از معمای لئونتیف
- ۳۵..... ۲-۱۳- تفاوت های بین المللی قیمت عامل: حق با لئونتیف بود!
- ۳۵..... ۲-۱۳-۱- الگوی ترفلر
- ۳۷..... ۲-۱۳-۲- تعبیر π_{fc} (بهره وری عامل تولید f در کشور c)
- ۳۹..... ۲-۱۳-۳- نتایج
- ۴۰..... فصل سوم
- ۴۱..... ۳-۱- مقدمه
- ۴۱..... ۳-۲- روش شناسی جدول داده- ستانده
- ۴۲..... ۳-۳- مفروضات جدول داده- ستانده
- ۴۳..... ۳-۴- ساختار جدول داده- ستانده با رویکرد حسابداری
- ۴۴..... ۳-۵- رابطه تولید در جدول داده- ستانده
- ۴۵..... ۳-۶- محاسبه محتوای عوامل تولید صادرات و واردات با استفاده از جدول داده- ستانده
- ۴۵..... ۳-۶-۱- آزمون لئونتیف

۴۷	۳-۶-۲-آزمون لیمر
۴۹	فصل چهارم
۵۰	۴-۱-مقدمه
۵۰	۴-۲-داده های مورد استفاده
۵۱	۴-۳-آزمون نظریه H-O
۵۱	۴-۳-۱-آزمون لئونتیف
۵۲	۴-۳-۲-آزمون لیمر
۵۴	۴-۳-۳-آزمون کاساس و چوی
۵۷	فصل پنجم
۵۸	۵-۱-مقدمه
۵۹	۵-۲-نگاهی اجمالی به کشور چین و تحولات اقتصادی آن
۶۱	۵-۳-دلایل پیدایش و گسترش مقررات محل فعالیت بخش خصوصی و چگونگی مقررات زدائی
۶۶	۵-۴-تقویت نقش سیاستگزاری و نظارتی دولت در کنار کاهش نقش تصدیگری آن
۶۷	۵-۵-بازار کار
۶۹	۵-۶-آزاد سازی تجاری
۷۱	۵-۷-سرمایه گذاری
۷۴	۵-۸-خصوصی سازی
۷۶	۵-۹-چگونگی شناخت مزیت‌های نسبی در ایران
۷۹	فصل ششم
۸۰	۶-۱-مقدمه
۸۰	۶-۲-جمع‌بندی و نتیجه گیری
۸۳	منابع و مأخذ فارسی:

منابع

جداول

فصل اول
کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

سالهاست که کالاهای ارزان قیمت چینی سهم عمده ای از بازار مصرفی کشورهای مختلف و از جمله ایران را به خود اختصاص داده اند و به این طریق به صورت تهدیدی جدی برای صنایع داخلی در بسیاری از کشورها، حتی کشورهای توسعه یافته تبدیل شده اند. یکی از سوالاتی که در این زمینه ذهن بسیاری از سیاستمداران، اقتصاددانان، فعالان اقتصادی و حتی مردم عادی را در کشورهای مختلف به خود جلب کرده است این است که علل و عوامل موثر بر پایین بودن قیمت کالاهای چینی کدامند؟

در پاسخ به این سوال فرضیات متعددی مطرح شده است. برخی از سیاستمداران و اقتصاددانان غربی، پائین بودن قیمت کالاهای چینی را عمدتاً ناشی از پایین نگهداشتن ارزش یوان^۱ (واحد پول چین) توسط دولت چین می دانند و به این دلیل خواهان تقویت ارزش یوان در مقابل سایر ارزهای مطرح هستند تا به این طریق مزاد عظیم تجاری چین کاهش یابد.

گروهی دیگر بر این عقیده اند که نوعی دامپینگ باعث رونق صادرات چین گردیده است و از این رو برخی از کشورها خواهان حذف یارانه های مختلف به بخشهای صادراتی چین هستند.

فرضیه دیگر بر خلق مزیت نسبی در زمینه تولید و صدور کالاهای کاربر توسط این کشور تاکید دارد. قائلان به این فرضیه بر این واقعیت انگشت می گذارند که گرچه چین از دهها سال قبل (بالاخص پس از پیروزی انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۴۹) دارای نیروی کار فراوان بوده است، فقط از سال ۱۹۷۹ به بعد و به دنبال اعلام سیاست درهای باز اقتصادی و آزاد سازی تدریجی اقتصاد توانست از این مزیت نسبی خود به نحو موثر استفاده کند. به این ترتیب که این کشور توانست با حرکت به سمت رقابتی کردن اقتصاد از طریق آزاد سازی تدریجی اقتصاد و تعامل با اقتصاد جهانی، حجم عظیمی از سرمایه گذاری های خارجی را جذب کند و به این طریق برای دهها میلیون نفر از نیروی کار خود شغل ایجاد کند و بهره وری نیروی کار خود را نیز ارتقاء دهد.

بررسی فرضیه بهره برداری چین از مزیت نسبی نیروی کار از طریق آزمون نظریه هکشر-اوهلین^۲ (نظریه H-O) در خصوص محتوای عوامل تولید صادرات و واردات چین از اهداف این تحقیق است. از این رو در فصل دوم پس از مرور مختصر نظریات تجارت بین الملل از آغاز تاکنون، نظریه هکشر-اوهلین و آزمونهای مختلف آن با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار می گیرد. در فصل سوم، مبانی جدول داده- ستانده با رویکرد تعیین محتوای عوامل تولید صادرات و واردات تشریح می شود. فصل چهارم به تحلیل یافته ها در قالب آزمونهای لئونتیف و لیمر اختصاص دارد. در فصل پنجم، در یک چشم انداز وسیعتر، به بهره برداری چین از مزیت نسبی نیروی کارش، به عنوان بخشی از فرایند گذار از اقتصاد دولتی به سمت اقتصاد بازار نگرینسته می شود و ضمن درس گرفتن از تجربه چین، برای عبور کم هزینه کشورمان از این مرحله گذار، راهکاری پیشنهادی مورد بحث قرار می گیرد. در نهایت رساله با جمعبندی و نتیجه گیری به پایان می رسد.

^۱-Yuan^۲-Heckscher-Ohlin Theory

۲-۱- بیان مسئله

یکی از نظریات مطرح در حوزه تجارت بین الملل نظریه هکشر- اوهلین است. این نظریه بیان می کند هر کشور کالایی را صادر می کند که در تولید آن نیاز به عامل نسبتاً فراوان و ارزان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد. مصداق این نظریه در مورد الگوی تجارت خارجی چین به این صورت است که وفور نسبی نیروی کار و پایین بودن سطح دستمزدها در چین نسبت به طرفهای تجاریش، باعث کاربر شدن تولید و کاهش هزینه تولید در این کشور و به تبع آن ایجاد مزیت نسبی برای چین در عرصه تجارت بین الملل شده است.

از این رو بررسی نظریات تجارت بین الملل از آغاز تاکنون و بالاخص نظریه H-O در بستری تاریخی، مبنای نظری تحقیق حاضر را تشکیل می دهد. کسب بینشی عمیقتر نسبت به نظریات تجارت بین الملل و فهم جمل و عوامل موثر بر تجارت بین الملل از جمله اهداف این تحقیق است. یکی دیگر از اهداف این تحقیق، بررسی راهکاری پیشنهادی برای مواجهه با تهدیدی است که از ناحیه صادرات چین متوجه صنایع داخلی کشور ماست. نتایج این تحقیق می تواند تأکیدی مجدد بر این واقعیت باشد که اگر ما نیز مزیت‌های نسبی خود را در حوزه های مختلف در عرصه اقتصاد جهانی شناسایی کنیم و بالاتر از آن به خلق مزیت‌های نسبی جدید توفیق یابیم، خواهیم توانست تهدیدی را که در حال حاضر از طرف کالاهای صادراتی چین متوجه صنایع داخلی ماست (تهدیدی واقعی که در گذشته و حال از طرف کشورهای دیگر شاهد آن بوده و هستیم و در آینده ای نه چندان دور می تواند به اشکال دیگر و از طرف کشورهای دیگر بروز کند) به فرصتی برای رقابتی کردن این صنایع تبدیل کنیم.

۳-۱- پیشینه تحقیق

بررسی آزمونهای تجربی نظریه H-O که عموماً حول معمای لئونتیف و تلاشهای مختلفی که برای حل و تحلیل آن صورت گرفته است و اجرای این آزمونها برای کشور چین، موضوع اصلی این تحقیق است. اولین آزمون تجربی الگوی هکشر- اوهلین در سال ۱۹۵۳ با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۹۴۷ آمریکا توسط لئونتیف انجام شد. از آنجا که آمریکا نسبت به سایر کشورهای جهان کشوری با وفور نسبی سرمایه محسوب می شد، لئونتیف انتظار داشت که صادرات آمریکا کالاهای سرمایه بر و واردات آن کالاهای کاربر باشد. در انجام این آزمون لئونتیف با استفاده از جدول داده- ستانده ایستا تلاش نمود محتوای سرمایه بری و کاربری کالاهای تجاری را در یک مجموعه کالاهای صادراتی و کالاهای جانشین واردات هر یک به ارزش یک میلیون دلار مورد سنجش قرار دهد. نتایج آزمون لئونتیف نشان داد که کالاهای جانشین واردات نسبت به کالاهای صادراتی این کشور ۳۰٪ بیشتر سرمایه بر است. این نتیجه گیری با آنچه الگوی هکشر-اوهلین پیش بینی می کرد مغایر بود. این مغایرت به معمای لئونتیف معروف شد.

برای تفسیر این معما تلاشهای زیادی توسط لئونتیف و سایرین صورت گرفت. لئونتیف خود مشاهده کرد که این نتیجه ممکن است ناشی از این حقیقت باشد که نیروی کار آمریکا (سه برابر) کارآمدتر یا ماهرتر از نیروی کار در بقیه جهان باشد. بنابراین اگر نیروی کار بر حسب واحدهای کارایی (با ضرب کردن نیروی کار آمریکا در سه) محاسبه شود، در این صورت آمریکا در واقع نیروی کار فراوانتری نسبت به بقیه جهان دارد. گر چه بعدها

خود وی این دلیل را مقنع ندانست (زیرا این امر در مورد بهره وری سرمایه آمریکا نیز صادق است)؛ ولی محققین بعدی بر مفهوم "سرمایه انسانی"^۱ انگشت تاکید نهادند.

شاید اصلی ترین علت بروز معمای لئونتیف، عدم تفکیک دقیق بین سرمایه فیزیکی (نظیر ماشین آلات، ساختمانها، ابزار و ادوات و تجهیزات و امثال آن) و سرمایه انسانی بود. سرمایه انسانی شامل آموزش، بهداشت، افزایش مهارت کارگران و تحقیق و توسعه است که در جای خود باعث افزایش بهره وری نیروی کار خواهد شد. نتیجه آنکه چون نیروی کار آمریکا دارای سرمایه انسانی بیشتری نسبت به سایر کشورهاست، افزودن عامل سرمایه انسانی به سرمایه فیزیکی باعث می شود تا صادرات آمریکا نسبت به کالاهای جانشین واردات، بیشتر سرمایه بر شود.

مهمترین مطالعات تجربی در مورد سرمایه انسانی توسط کراویس^۲، کیسینگ^۳، کنن^۴ و بالدوین^۵ انجام شده است.

یک عامل مهم دیگر در ایجاد تناقض این بود که در نظریه H-O، فقط دو عامل تولید نیروی کار و سرمایه مورد ملاحظه قرار می گرفت و به سایر عوامل نظیر منابع طبیعی (زمین، آب و هوا، ذخائر معدنی، جنگلها و ...) توجهی نشد. ممکن است در یک الگوی دو عاملی، یک کالا با توجه به منابع طبیعی بکار رفته در آن یک کالای کاربر یا یک کالای سرمایه بر باشد. بنابراین تقسیم بندی کالاها بر حسب کاربر یا سرمایه بر، تقسیم بندی جامعی نیست. ارائه الگوی چند عاملی توسط ونک^۶ در سال ۱۹۶۸ تلاشی در راستای حل این مشکل محسوب می شود. علاوه بر این در فرآیند تولید بسیاری از کالاها با استفاده از منابع طبیعی (نظیر تولید فلزات، ذغال سنگ و محصولات کشاورزی) نیاز به مقدار زیادی سرمایه فیزیکی داریم. لذا وابستگی آمریکا به واردات مواد خام می تواند سرمایه بر بودن صنایع رقیب واردات را تا حد زیادی تفسیر کند

محدودیتهای تعرفه ای آمریکا عامل مهم دیگری در ایجاد معمای لئونتیف بود. تعرفه چیزی جز وضع مالیات بر کالاهای وارداتی نیست. لذا وضع تعرفه باعث کاهش واردات و تشویق تولید کالاهای جانشین واردات خواهد شد. کراویس طی یک تحقیق در سال ۱۹۵۴ نشان داد که بیشترین حمایتها در آمریکا متوجه صنایع کاربر بوده است. این امر باعث تغییر الگوی تجارت شده و کاربر بودن کالاهای جانشین واردات در آمریکا را کاهش داد. (لذا معمای لئونتیف تا حدودی حل شد).

در سال ۱۹۸۷ مطالعه ای توسط باون^۷، لیمر^۸ و سویکاسکاس^۹ انجام شد. این مطالعه با استفاده از آمار مقطعی تجارت در سال ۱۹۶۷، نهاده های مورد نیاز، وفور نسبی عوامل در ۲۷ کشور، ۱۲ عامل تولید و بسیاری از کالاها

^۱-Human Capital

^۲-Kravis

^۳-Keesing

^۴-Kenen

^۵-Baldwin

^۶-Vanek

^۷-Bowen

^۸-Leamer

^۹-Sveikauskas

نشان داد که الگوی تجارت H-O حدود ۵۰٪ مورد تأیید می باشد. با توجه به چنین نتایج متناقضی تأیید الگوی تجارت H-O نیازمند آزمون های تجربی قطعی تری است. (سالواتوره-ص ۱۷۰)

۴-۱- مبانی نظری

نظریه H-O بیان می کند هر کشور کالایی را صادر می کند که در تولید آن نیاز به عامل نسبتاً فراوان و ارزان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد. علاوه بر آن تجارت بین الملل باعث برابری بازده نسبی و مطلق عوامل تولید همگن میان کشورها می شود. به بیان دیگر تجارت با تاثیری که بر قیمت های نسبی می گذارد همان نقش تحرک بین المللی عوامل تولید را ایفا می کند. با وجود تحرک کامل عوامل تولید، نیروی کار از کشوری با دستمزد پایین تا جایی به کشوری با دستمزد بالا مهاجرت می کند که دستمزد در دو کشور مساوی شود. همچنان سرمایه نیز از کشوری با نرخ بهره پایین تا جایی به کشوری با نرخ بهره بالا انتقال می یابد که نرخ بهره در دو کشور مساوی شود. یعنی همانطور که تجارت کالاها و خدمات بر تقاضای مشتق عوامل تولید اثر می گذارد، تحرک عوامل تولید در سطح بین المللی نیز بر عرضه عوامل تولید تاثیر می گذارد.

۵-۱- فرضیه و سؤال تحقیق

فرضیه تحقیق: وفور نیروی کار نسبت به سرمایه در اقتصاد چین باعث افزایش صادرات کالاها و خدمات کاربر و افزایش واردات کالاهای سرمایه بر شده است.

سؤال تحقیق: علل و عوامل موثر بر پایین بودن قیمت کالاهای چینی کدامند؟

۶-۱- اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق آزمون نظریه H-O در مورد صادرات و واردات کشور چین است. بنابراین بررسی آزمونهای تجربی نظریه H-O که عموماً حول معمای لئونتیف و تلاشهای مختلفی که برای حل و تحلیل آن صورت گرفته است از موضوعات مهم در این تحقیق است. یکی دیگر از اهداف این تحقیق، بررسی راهکاری پیشنهادی برای مواجهه با تهدیدی است که از ناحیه صادرات چین متوجه صنایع داخلی کشور ماست. نتایج این تحقیق می تواند تأکیدی مجدد بر این واقعیت باشد که اگر ما نیز مزیت های نسبی خود را در حوزه های مختلف در عرصه اقتصاد جهانی شناسایی کنیم و بالاتر از آن به خلق مزیت های نسبی جدید توفیق یابیم، خواهیم توانست تهدیدی را که در حال حاضر از طرف کالاهای صادراتی چین متوجه صنایع داخلی ماست (تهدیدی واقعی که در گذشته و حال از طرف کشورهای دیگر شاهد آن بوده و هستیم و در آینده ای نه چندان دور می تواند به اشکال دیگر و از طرف کشورهای دیگری بروز کند) به فرصتی برای رقابتی کردن این صنایع تبدیل کنیم.

۷-۱- روش شناسی و مدل تحقیق

روش شناسی این تحقیق مبتنی بر آزمون نظریه H-O با استفاده از تحلیل داده- ستانده به منظور تعیین محتوای کاربری و سرمایه بری عوامل تولید در کالاهای صادراتی و وارداتی یک کشور می باشد. در مطالعات تجربی برای بررسی نظریه H-O معمولاً دو آزمون لئونتیف و لیمر مورد استفاده قرار می گیرد. چگونگی محاسبه محتوای کاربری و سرمایه بری عوامل تولید در فصل سوم تشریح می شود.

۸-۱- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

روش گردآوری اطلاعات در حوزه مبانی نظری تحقیقات کتابخانه ای است. داده های مورد استفاده در این تحقیق نیز از جداول داده- ستانده سال ۲۰۰۰ چین که شامل جداول ۱۷ بخشی هستند و در سالنامه آماری چین آمده اند استخراج شده اند. این سالنامه معتبرترین مرجع رسمی چین در خصوص آمار و اطلاعات مورد نیاز است.

۹-۱- جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جدول داده-ستانده سال ۲۰۰۰ چین که فاقد نمونه گیری می باشد.

۱۰-۱- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح

نیروی کار: کل نفر-سال نیروی کار یک کشور با فرض همگن بودن واحدهای آن (در برخی تحقیقات بر حسب واحدهای معادل بهره وری و در برخی دیگر بر حسب دریافتی واحدهای نیروی کار همگن می شود)
سرمایه: موجودی سرمایه شامل زمین، ساختمان، تجهیزات، ماشین آلات و منابع طبیعی. (در روند پیشرفت نظریه، تفکیک بین سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، منابع طبیعی و به طور کلی تعدد عوامل تولید مورد توجه قرار گرفت)

وفور نسبی عامل: فراوانی نسبی یک عامل تولید در یک کشور نسبت به سایر کشورها

قضیه هکشر-اوهلین: قضیه H-O بیان می کند که هر کشور کالایی را صادر می کند که در تولید آن نیاز به عامل نسبتاً فراوان و ارزان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد.

کالای سرمایه بر: کالایی است که در تمام قیمت‌های نسبی ممکن w/r عوامل تولید، نسبت K/L بکار رفته در آن بزرگتر از همین نسبت در سایر کالاها باشد.

کالای کاربر: کالایی است که در تمام قیمت‌های نسبی ممکن w/r عوامل تولید، نسبت K/L بکار رفته در آن کوچکتر از همین نسبت در سایر کالاها باشد.

۱-۱۱- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق

عدم دسترسی مطلوب به داده های مورد نیاز یکی از مشکلات عمده در این تحقیق بود. جدیدترین جدول داده-ستانده موجود مربوط به سال ۲۰۰۰ بود و روشن است که تحولات هفت سال اخیر انجام اصلاحاتی را در جدول ضروری ساخته است. از این رو به هنگام نبودن داده ها از جمله مشکلات این تحقیق است.

۱-۱۲- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل مورد استفاده، تحلیل ایستای داده-ستانده برای تعیین محتوای عوامل تولید در کالاهای صادراتی و وارداتی چین است. محاسبات مورد نیاز با استفاده از نرم افزار EXCEL صورت گرفته است.

فصل دوم
مبانی نظری

۲-۱- مقدمه

از آنجا که هدف این تحقیق، آزمون نظریه هکشر- اوهلین در مورد صادرات و واردات چین است، ابتدا لازم است مفروضات و مفاد این نظریه که یکی از نظریات مطرح در حوزه تجارت بین الملل است مورد بررسی قرار گیرد. فهم این نظریه مستلزم بررسی نظریات مقدم بر آن است تا روشن شود که آن نظریات در تبیین و پیش بینی پدیده های تجارت بین الملل دچار چه کاستی‌هایی بوده اند که لزوم طرح یک نظریه جدید احساس شده است. برای این منظور باید روشن شود که نظریات تجارت بین الملل در صدد پاسخگویی به چه نوع سؤالاتی هستند. قبل از ادامه بحث، توجه به این نکته ضروری است که "تجارت بین الملل بخشی از اقتصاد بین الملل را تشکیل می دهد. اقتصاد بین الملل خود یکی از شاخه های علم اقتصاد است که در مورد وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورها بحث می کند. نظریه محض تجارت و نظریه سیاست بازرگانی جنبه های خرد اقتصاد بین الملل و بازارهای ارز خارجی و تراز پرداختها^۱ جنبه های کلان آن را که تحت عنوان مالیه بین الملل شناخته می شود تشکیل می دهند. نظریات تجارت بین الملل در صدد تبیین اساس، منافع و پیامدهای حاصل از تجارت هستند. به عبارت روشنتر نظریات تجارت بین الملل در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر می باشند:

الف) الگوی تجارت (نوع کالاهای صادراتی و وارداتی هر کشور) بین کشورها بر اساس چه علل و عواملی شکل می گیرد؟

ب) برقراری تجارت بین کشورها چه منافی برای آنها به دنبال دارد؟

ج) پیامدهای برقراری تجارت بین کشورها و در سطح جهان کدامند؟" (سالواتوره- ص ۳۴)

در این فصل تلاش بر این است تا پاسخهای مختلف به سؤالات فوق از دید نظریه پردازان مختلف و در بستری تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. بحث را با طرح دیدگاه سوداگران در باب تجارت بین الملل آغاز می کنیم.

۲-۲- سوداگران؛ جویندگان طلا

از دیدگاه تاریخی، سوداگران نخستین گروهی بودند که در صدد ارائه یک نظریه منسجم در خصوص تجارت بین الملل برآمدند. آنان معتقد بودند که اساس ثروت و قدرت یک کشور به میزان فلزات قیمتی در اختیار آن کشور بستگی دارد. بنابراین سیاست تولیدی آنان بر تولید هر چه بیشتر کالاهای بالادستی و کالاهای گرانقیمت به منظور صادرات و سیاست مصرفی آنان بر مصرف هر چه کمتر کالاهای ارزان قیمت داخلی به منظور کاهش واردات متکی بود تا از این طریق ورود فلزات قیمتی به کشور حداکثر و خروج این فلزات از درون کشور حداقل شود. از آنجا که در هر لحظه از زمان مجموع فلزات قیمتی در سطح جهان مقدار ثابتی است، سوداگران به این نتیجه رسیدند که تجارت یک بازی "مجموع صفر" است و سود یک کشور در تجارت لزوماً زیان کشوری دیگر را به دنبال دارد. از این رو پیامد اقتصادی تجارت بین کشورها، ثروتمند شدن برخی از کشورها به بهای فقیر شدن

۱ - به نظر می رسد "مانده پرداختها" نسبت به "تراز پرداختها" معادل مناسبتری برای "balance of payments" باشد زیرا از یک طرف معمولاً پرداختها متوازن نیستند و از طرف دیگر "balance" علاوه بر تراز و متوازن به معنای مانده نیز می باشد. از این رو به نظر می رسد مثلاً "کسری مانده پرداختها" عبارت مناسبتری باشد تا "کسری تراز پرداختها" زیرا که در عبارت دوم ترکیب نامناسبی از کسری و توازن در کنار هم آورده شده است.

برخی دیگر است. نتیجه منطقی این افکار حمایت شدید از دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی، بویژه نظارت اکید بر صادرات و واردات کشور بود.

۳-۲- نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت مبنائی برای افزایش "ثروت ملل"

افکار سوداگران قریب به دو قرن بر روابط بین کشورهای اروپائی و مردم این کشورها حاکم بود. این وضعیت باعث شد که هم تولیدکنندگان و هم مصرف کنندگان در کشورهای اروپائی شدیداً خود را تحت فشار احساس کنند و خواهان مفری برای خروج از این وضعیت باشند. بخشی از این فرصت را آدام اسمیت با انتشار کتاب ثروت ملل خود در سال ۱۷۷۶ فراهم کرد. ترکیبی از استدلالهای محکم در رد افکار سوداگران و نوید فضائی بازتر برای همگان، باعث گردید که حمایت از افکار و سیاستهای پیشنهادی سوداگران کاهش یابد. اسمیت نشان داد که راز قدرت اقتصادی و نظامی یک کشور نه در میزان ذخایر فلزات قیمتی آن کشور؛ بلکه در توانائی آن کشور برای تولید کالاها و خدمات متنوع نهفته است. به عنوان مثال گر چه بومیان قاره امریکا دارای یکی از غنیترین ذخایر فلزات قیمتی جهان بودند؛ اما از آنجا که در قیاس با اروپائیان مهاجم فاقد قدرت تولیدی قابل ملاحظه ای بودند وجود این ذخایر نه تنها کمکی به آنها نکرد؛ بلکه یکی از علل اصلی هجوم اروپائیان به آنان و تصرف سرزمینشان بود.

به نظر اسمیت تجارت بین کشورها بر اساس مزیت مطلق^۱ صورت می گیرد. مزیت مطلق یک کشور نسبت به کشور دیگر به این معناست که هر یک از دو کشور بتوانند یکی از دو کالای مورد مبادله را با هزینه کمتری نسبت به کشور دیگر تولید کنند. به بیان دیگر یک کشور یکی از کالاها را با کارائی بیشتر و کالای دیگر را با کارائی کمتر نسبت به کشور دیگر تولید کند. بر این اساس در یک جهان با دو کشور A و B و دو کالای X و Y هر دو کشور می توانند با تخصص در تولید و صدور کالائی که در آن مزیت مطلق دارند از تجارت آزاد، سود ببرند. پیامد برقراری تجارت بین کشورها نیز افزایش تولید و رفاه در هر دو کشور نسبت به حالت انزوای تجاری است.

اسمیت و به تبع وی سایر اقتصاددانان کلاسیک، مزیت مطلق (یا نسبی) یک کشور در تولید و صدور یک کالا را ناشی از بهره وری متفاوت نیروی کار در دو کشور می دانستند و به نوبه خود این بهره وریهای متفاوت نیروی کار در دو کشور را نیز صرفاً ناشی از تفاوت اوضاع اقلیمی و جغرافیائی دو کشور می دانستند. عامل تولیدی سرمایه و همچنین سرمایه های انسانی از قبیل آموزش، مهارت و بهداشت چندان جایگاهی در تحلیلهای اقتصادی آنان نداشت.

نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت در قیاس با نظریات سوداگران یک گام به پیش محسوب می شود، زیرا به نحو رضایتبخشی قادر به تبیین آن بخش از تجارت بین الملل است که بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه در جریان است. با این وجود بخش اعظم تجارت در جهان حاضر بین کشورهای توسعه یافته در جریان است. بسط نظریه اسمیت در قالب نظریه مزیت نسبی^۲ را دیگر اقتصاددان کلاسیک یعنی دیوید ریکاردو به عهده گرفت.

^۱- Absolute Advantage

^۲- Comparative Advantage

۴-۲- دیوید ریکاردو و نظریه مزیت نسبی؛ تعمیم نظریه اسمیت

طبق نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت، اساس تجارت، پایین بودن هزینه تولید یک کالا در یک کشور نسبت به کشور دیگر است؛ اما اگر کشوری بتواند هر دو کالای مورد بحث را ارزانتر از کشور دیگر تولید کند در این صورت طبق نظریه مزیت مطلق، برقراری تجارت بین این دو کشور منتفی است.

ریکاردو با طرح نظریه مزیت نسبی تلاش نمود تا نظریه اسمیت را گسترش دهد. از نظر ریکاردو تفاوت در هزینه های نسبی اساس تجارت بین کشورها را شکل می دهد. طبق این نظریه وجود تفاوت در هزینه های نسبی دو کالا برای برقراری تجارت بین دو کشور کافی است. علاوه بر آن هر کشور باید در تولید کالایی تخصص پیدا کند که آن کالا را با هزینه نسبی کمتری تولید می کند. بنابراین حتی اگر کشوری در تولید هر دو کالای X و Y دارای عدم مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر باشد، با تخصص در تولید کالایی که در آن مزیت مطلق کمتری دارد می تواند همچون کشور دیگر از تجارت منتفع شود. به این ترتیب نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت به عنوان حالت خاصی از نظریه مزیت نسبی ریکاردو تلقی می شود.

نظریه ریکاردو بر چند فرض مبتنی است که عبارتند از :

- ۱) دو کشور، دو کالا و یک عامل تولید (نیروی کار) وجود دارد؛
- ۲) تحرک کامل نیروی کار در درون هر کشور و عدم تحرک آن بین دو کشور برقرار است؛
- ۳) سطح تکنولوژی در دو کشور یکسان است؛
- ۴) در هر دو کشور وضعیت رقابت کامل در بازار عامل و کالاها برقرار است؛
- ۵) موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بر سر راه تجارت آزاد وجود ندارد و هزینه های حمل و نقل صفر است؛
- ۶) هزینه های تولید در هر دو کشور ثابت است؛
- ۷) نظریه ارزش کار قیمت کالاها را تعیین می کند.

فرض اخیر نیازمند توضیح بیشتری است. مفهوم نظریه فوق این بود که ارزش (قیمت) هر کالا صرفاً توسط تعداد ساعات کاری که صرف تولید آن شده است تعیین می شود که به نوبه خود بر این دو فرض ضمنی استوار بود که اولاً نیروی کار تنها عامل تولید است یا به نسبت یکسانی در تولید همه کالاها بکار می رود، ثانیاً تمام واحدهای نیروی کار همگن هستند. نتیجه پذیرش این فروض این بود که اولاً فرایند تولید تحت "هزینه های فرصت ثابت" صورت می گیرد، ثانیاً از آنجا که در این حالت منحنی امکانات تولید به یک خط راست با شیب منفی تبدیل می شود، ملاحظات مربوط به طرف تقاضا نقشی در تعیین قیمت کالا ندارند و قیمت کالا صرفاً توسط ملاحظات مربوط به سمت عرضه تعیین می شود.

از آنجا که روشن شد فرضهای زیربنایی نظریه ارزش کار غیرقابل دفاع هستند، نظریه مزیت نسبی مبتنی بر نظریه ارزش کار نیز دیگر قابل پذیرش نبود. از اینرو هابزر در سال ۱۹۳۳ با تفسیر جدیدی از نظریه مزیت نسبی ریکاردو، این نظریه را بر مبنای "هزینه های فرصت فزاینده" صورت بندی کرد. هزینه های فرصت فزاینده به این معناست که یک کشور برای تولید هر واحد اضافی از یک کالا باید به تدریج مقادیر بیشتر و بیشتری از کالای دیگری را از دست بدهد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای نخست فراهم شود. در این صورت منحنی امکانات تولید نسبت به مبدا مختصات مقعر می شود. شیب منحنی امکانات تولید همان نرخ

نهایی تبدیل^۱ می باشد. از آنجا که منابع تولید همگن نبوده و به یک نسبت ثابت در تولید کالاهای مختلف به کار نمی روند، لذا هزینه های فرصت فزاینده است. منحنی های امکانات تولید دو کشور با هم تفاوت دارد زیرا موجودی منابع تولیدی و تکنولوژی مورد استفاده در دو کشور متفاوت است.

طبق این نظریه هر کشور به تخصص در تولید و صدور کالایی خواهد پرداخت که هزینه فرصت در تولید آن کالا کمتر باشد. هر قدر تفاوت هزینه های فرصت بین دو کشور بیشتر باشد، انگیزه برای تجارت و منافع حاصل از تجارت نیز بیشتر خواهد بود.

طبق نظر اقتصاددانان کلاسیک، مزیت نسبی هر کشور برحسب قیمت های نسبی قبل از تجارت و در شرایط رقابت کامل تعیین می شود؛ اما در دنیای واقعی به دلیل عدم برقراری فروض کلاسیک، از جمله تجارت آزاد و رقابت کامل، نظریه مزیت نسبی با مشکلاتی مواجه است. مطالعات کاربردی که به اندازه گیری مزیت نسبی کشورها پرداخته اند عمدتاً براساس اطلاعات و آمار پس از تجارت بوده و مزیت نسبی را بر مبنای آنها تعیین می کنند. در واقع، چنین روشهایی بیشتر ساختار و عملکرد تجارت خارجی یک کشور را نشان می دهند تا اینکه آزمونی برای سنجش اعتبار نظریه مزیت نسبی باشند. (مزیت نسبی عملکردی در مقابل مزیت نسبی نظری).

۵-۲- الگوی هکشر-اوهلین؛ پیشروی در دو سو

الگوی هکشر-اوهلین (الگوی H-O) نظریه مزیت نسبی ریکاردو را هم از جهت علل پیدایش مزیت نسبی بین کشورها و هم از جهت آثار تجارت بین الملل بر درآمد عوامل تولید در دو کشور، در دو جهت متفاوت بسط می دهد. بر تیل اوهلین که در سنت سوئدی تجزیه و تحلیل تعادل عمومی نزد کسانی چون ویکسل و کاسل و تحت تاثیر کار برجسته هکشر در زمینه تجارت بین الملل قرار گرفته بود، در اثر معروفش، آگاهی کامل خود را نسبت به اهمیت تجزیه و تحلیل تعادل عمومی نشان می دهد. او به طور مبسوط و بر حسب این نوع تحلیل، دلایل تفاوت قیمت های نسبی و مزیت نسبی ناشی از آن را توضیح می دهد. او به جای تحویل^۲ تفاوت قیمت ها به تفاوت های دلخواهانه هزینه نیروی کار ناشی از اوضاع اقلیمی، توجهش را بر تفاوت موجودیهای^۳ عوامل تولید با اعمال این فرض ساده کننده متمرکز کرد که توابع تولید برای یک کالای معین در دو کشور یکسان هستند. با اتخاذ این فرض او توانست به این نتیجه ساده و مهم و به لحاظ شهودی جذاب دست یابد که صادرات یک کشور از عامل تولید نسبتاً فراوان آن کشور استفاده می کند. از این رو، گرچه اتخاذ این فرض بر مبنای غیر واقعی بودنش، غالباً مورد انتقاد واقع شده است؛ اما به واقع اوهلین را در زمره نظریه پردازان تجارت بین الملل قرار می دهد. علاوه بر آن، معرفی صریح الگوی دو عاملی به جای الگوی یک عاملی کلاسیک، اقتصاددانان را قادر ساخت تا سوالات مهمی از قبیل چگونگی توزیع درآمد بین عوامل تولید و تخصیص عوامل تولید بین صنایع مختلف را مورد بررسی قرار دهند. این فرض همچنین روش برخورد منظم با سوالات جدیدی از قبیل تاثیر انباشت سرمایه و جابجایی بین المللی عوامل تولید بر تجارت بین الملل را هموار کرد.

^۱-Marginal Rate of Transformation

^۲-Reduction

^۳-Endowments